کد خبر: ۴۵۳۹۹۲
دوشنبه ۳ آبان ۱۴۰۰ ۱۲:۲۶

روزنامه جمهوری اسلامی؛

سیلی دوم پیامد طبیعی سیلی اولی بود که شنیده نشد!

روزنامه جمهوری اسلامی در سرمقاله خود نوشت:درباره سیلی خوردن استاندار جدید آذربایجان شرقی، چند نکته قابل تأمل وجود دارند که نباید از کنار آنها بی‌تفاوت عبور کرد.

به گزارش خبرنگاران جامعه گزارش خبر به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی در سرمقاله خود نوشت: درباره سیلی خوردن استاندار جدید آذربایجان شرقی، چند نکته قابل تأمل وجود دارند که نباید از کنار آنها بی‌تفاوت عبور کرد.

۱- بدون تردید هرگونه اقدام خارج از ضوابط منطقی به‌ویژه در یک مراسم رسمی، محکوم است و سیلی زدن به استاندار یکی از بارزترین مصادیق این اقدام غیرمنطقی است.

۲- توجه به زمان و مکان این رویداد، آن را حساس‌تر می‌کند. استان آذربایجان که این روزها به دلیل شرایط خاص مرزهای شمال غرب کشورمان، بشدت مورد توجه ناظران سیاسی است، حساسیت زمانی و مکانی حادثه استانداری در تبریز را به روشنی نشان می‌دهد.

۳- درباره انگیزه ضارب که یک سرهنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است مطالب مختلفی گفته شده ولی تا خود او در این باره صحبت نکند نمی‌توان به این مطالب اعتماد کرد.

۴- نسبت دادن ماجرا به همراهی با دشمنان خارجی،عادت زشتی است که عده‌ای به آن معتاد شده‌اند و با این کار،خود را از تأمل و ریشه‌یابی رویدادها راحت می‌کنند.این روش غلط،مانع درک واقعیت‌های موجود می‌شود و اجازه نمی‌دهد مسئولین به آنچه در زیر پوست جامعه جا خوش کرده است پی ببرند. این، یکی از خطرناک‌ترین تهدیدهائی است که باید توجه همه را جلب کند و در بررسی‌ها پرداختن به ریشه‌های درونی را بر سایر امور مقدم بدارد.

حتی دادگاه‌ها، اعم از عادی و نظامی، هم باید با استفاده از کارشناسان صاحبنظر در جامعه‌شناسی، به لایه‌های پنهان رویدادهائی که با اقدامات مجرمانه مرتبط هستند به انگیزه‌های واقعی مرتکبین پی ببرند تا علاوه بر قضاوت بهتر، بتوانند راه‌های پیشگیری از جرم را نیز کشف کنند. با این روش می‌توان به امنیت و سلامت جامعه کمک کرد و زمینه را برای حکمرانی عادلانه و مردمی فراهم ساخت.

۵- سیلی زدن، برخوردهای فیزیکی با افراد، ایجاد تشنج، ضرب و شتم، اهانت به کسانی که نظر یا عملی غیر از برخوردکنندگان دارند و حتی تعرض به بزرگانی در سطح مراجع که همواره مورد احترام همگان بودند و هستند، یکی از عاداتی است که در سال‌های بعد از انقلاب رواج یافته و زیان‌های زیادی نیز به بار آورده است.

اکنون زمان محکوم کردن این و آن و مطرح ساختن گلایه‌های مربوط به گذشته نیست، ولی می‌توان برای تصحیح این فرهنگ غلط که با واقعه استانداری تبریز به مرحله جدیدی رسیده است، گام مهمی برای پایان دادن به این روش غیراصولی و خلاف اقتضائات انقلاب اسلامی برداشت.

منظور از مرحله جدید اینست که با آنچه در تبریز رخ داد، مشخص شد که درگیری‌ها اکنون به درون یک قشر از مهم‌ترین بخش‌های امنیتی وحفاظتی کشور رسیده است. در این واقعه، ضارب و مضروب هر دو سپاهی بودند و این درست همان چیزی است که هرگز نباید رخ می‌داد. روشن بود که آن فرهنگ غلط به چنین مراحل خطرناکی هم خواهد رسید. اینجا دیگر جای درنگ نیست و با قید فوریت باید این بیماری مزمن را معالجه کرد. البته نه با داغ و درفش بلکه با تغییر نگاه.

۶- برخلاف تصورهای ظاهری، این سیلی که به صورت یک سردار سپاه نواخته شد، اولین سیلی نبود. اولین سیلی هنگامی به صورت سپاه نواخته شد که سپاهیان را به عرصه سیاسی و پذیرش مسئولیت های اجرائی آوردند و آنها را به جای آنکه مسئول امنیت ملی باشند، مسئول آب و نان و برق و گاز مردم کردند. سیلی تبریز، دومین سیلی بود که به صورت سپاه نواخته شد و این، پیامد طبیعی همان سیلی اول بود. صدای سیلی اول متأسفانه شنیده نشد.

۷- کسانی که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به عرصه‌های سیاسی و اجرائی می‌کشانند، حتی اگر این کار را با حسن نیت هم انجام دهند، باید بدانند که دوستان واقعی سپاه نیستند. وظیفه ذاتی سپاه ورود به مسائل سیاسی و اجرائی نیست همانگونه که امام خمینی مکرراً بر این نکته تأکید کردند. تفسیر نادرست سخنان امام و پناه بردن به توجیهات غیرموجه، عاقبتی جز سیلی تبریز ندارد. بزرگان کشور و بزرگان خود سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، این نقطه‌نظر که سپاهیان باید به وظایف ذاتی خود برگردند تا از آفات مصون بمانند و خدمات بزرگشان برای همیشه با درخشان‌ترین و برجسته‌ترین حروف بر پیشانی تاریخ این مرز و بوم بماند، را دوستانه‌ترین خیرخواهی برای سپاه بدانند.